

«عمل صندوق و در بدست

هر که خوانند دعا طمع دارم زانکه من بنده گنه کارم.»

بر پاسار سوم:

«یا صاحب الزماي سر جدت شتاب کن

عالم خراب گشت تو پا در رکاب کن

۱۳۰۱.»

بر پاسار پنجم:

«حرر رضا ولد مرحوم مغفور معصوم علی توب غفر الله له ولوالديه.»

بر باثوی سمت چپ لنگه سمت راست که دنباله عبارت پاسار دوم است:

«محمد کاظم ولد مرحوم اللوردی میان بندی نوری شهر رجب مطابق سنه

هزار و سیصد و یک از هجری نبوی صلی علی وآله.»

مسجد جامع

در دهکده نائل از دهکده های نائل رستاق نور

مصالح بنای این مسجد آجر و گچ بوده است (عکس شماره ۱۹۹). درازای

آن ۲۳ متر و پهنایش ۹۶۰ سانتیمتر است و قطر دیوارهای بنا به ۸۰ سانتیمتر می رسد.

بیش از یک سوم از دیوار شمالی و کمی از دیوار شرقی آن بر جای مانده است. حوضی

مستطیل شکل در غرب بنای مسجد است.

قلعه ای قدیمی

در اراضی جنگل گل نائل در نائل رستاق نور

مصالح بنا از آجر و گچ بوده است (عکس شماره ۲۰۰). دیوارهای اطرافها و آب انبار گود آن برجای است. پهنای دیوارهای موجود به ۱۱۰ سانتیمتر می رسد. قلعه دیگری نیز در اراضی گل باغ است که خندقی عمیق دارد. درازای سطح بالای آن ۵۰ متر و پهنایش ۲۵ متر است. در جنگل گل باغ که خود مسلماً روزی باغ گل بوده است، آثار فراوانی از بناهای قدیمی به چشم می خورد.

راه سنگفرش

از نائل تا پای کوه جنوبی

از نائل قدیم راهی سنگفرش به پای کوه جنوبی کشیده شده است و از محل های

زیر می گذرد:

گل باغ، مالا مال، لرک چشمه و سنگ بند.

قلعه همت آباد

در جنگل همت آباد نزدیک دهکده کسر دآباد

از دهکده های نائل رستاق نور

نزدیک به دهکده کسر دآباد جنگلی به نام همت آباد است. در این جنگل تپداست

که آثار قلعه ای قدیمی بر آن پیداست.

قصر و حمام و بازار و مسجد و اتاشان
در جنگل و اتاشان در جنوب دهکده نصرت آباد
از دهکده‌های نائل رستاق نور

سید ظهیرالدین مرعشی در باره این آثار می‌نویسد :

« سید فخرالدین هنگامی که فصل خزان رسید به ولایت نائل آمد و قریه و اتاشان را جهت موطن و مسکن و مقام ایالت و سلطنت خود تعیین فرمود و مردم رستمدار را خبر دادند تا جمع شوند و نزد برادران خود جهت عمارت آن دیار مدد طلب داشتند . حسب الاراده از آمل و ساری بیگاری و استادان ماهر روان ساختند و در روز سعید طرح عمارت کشیدند و حفر خندق عظیم به گرداگرد آن سرا فرمودند کرد و بنیاد قصر و حمام و بازار و مسجد و ابواب البسر را از هر نوع طرح کشیدند و مردم را به سر کار باز داشتند و بدجهت هر سرکاری سردار دانا و کامل تعیین فرمودند .^۱»

ظاهراً همین آثار است که امروز تبدیل به یکی دو تپه شده و در چهارصد متری جنوب جاده سولده به چمستان ، در جنوب دهکده کوچک نصرت آباد کنونی ، به جای مانده است و به شکل خاکریزی دستی به بلندی ۷ متر که قطر دایره بالای آن سی متر است دیده می‌شود . خندق آن برجسای است و در نزدیکی آن تپه دیگری نیز باقی است .

را بنینو درباره این بناها می‌نویسد :

« فخرالدین بن قوام‌الدین مرعشی پس از فتح رستمدار ، و اتاشان را در نائل برای مقر خود برگزید و از ساری و رستمدار افرادی فراهم آورد و خندق

۱- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۲۸۶ .

عمیقی دور شهر حفر کرد و اقامتگاه و حمامی برای خود و بازار و مسجدی جهت مردم ساخت .^۱

پل لیشام

بر رودخانه شیم رود در شرقی نائل از دهکده‌های نائل رستاق

لیشام دیلمی بر این رود پلی بسته است که به نام «پل لیشام» معروف است . سید ظهیرالدین می‌نویسد :

« آن رودخانه را که از شرق نائل جاری است و شیم رود می‌خوانند، پلی که

بدا نجا لیشام دیلمی بسته بود «پل لیشام» می‌گفتند.

از این پل هیچگونه نشانی برجای نیست . آبی که امروز از زیر کوه «سوردار»

سرچشمه می‌گیرد به نام «شامی رو» معروف است . ظاهراً «شامی رو» شکل دیگری از

«شیم رود» است و لیشام بر روی همین رود پل بسته بوده است .

غور بکر بن عبدالعزیز بن ابی دلف عجلی

نزدیک پل لیشام که بر رودخانه شامی رو (شیم رود) بوده است

سید ظهیرالدین می‌نویسد :

در جنگی که میان داعی صغیر یعنی محمد بن زید بن اسماعیل حالب الحجاره و

اسپهدرستم بن قارن واقع شد ، اسپهدر به رافع بن هرثمه پیوست و او را به

مازندران آورد . داعی از آمل فرار کرد و بدکجور رفت و از آنجا بدیلیمان

افتاد . داعی در دیلمان به جمع سپاه پرداخت و به چالوس آمد . رافع در

چهار فرسنگی چالوس در دهکده خواجه آمد . داعی از چالوس بگریخت .

۱- ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد را بنینو، ص ۱۵۱ .

رافع به قزوین رفت. لشکر خلیفه با رافع جنگ کردند و او را شکست دادند ناچار به خراسان رفت. در این وقت بکر بن عبدالعزیز بن ابی دلف العجلی به داعی محمد پیوست. داعی او را بسیار عزیز و مکرم داشت و از برای او از اسب به زیر آمد و تحف و هدایای فراوان به او داد از آن جمله هزار هزار بار درهم در صدصه بود و او را با طوق و علم روانه نائل کرد و در خفیه دستور داد تا زهر در ققاع کنند و بدو دهند. بالاخره او را مسموم کردند و در سربل لیشام که بر رودخانه شیم رود (= شامی رو) است او را مدفون ساختند.^۱

باقی بناها و آثار تاریخی دشت نور

- ۱- آثار دیوار و حمام خرابه در دهکده دلیرسرای از دهکده‌های نائلرستاق.
- ۲- قلعه کل در دهکده سیدکلا^۲ از دهکده‌های نائلرستاق.
- ۳- مدرسه آقا شیخ محمد تقی مجتهد کلاگرد در دهکده سیدکلا از دهکده‌های نائلرستاق.
- ۴- امامزاده‌ای در دهکده ولیسده از دهکده‌های نائلرستاق کنار جاده چمستان به آمل نزدیک به الشدود.
- ۵- امامزاده‌ای در اسپه کلا^۳ از دهکده‌های نائلرستاق.
- ۶- قلعه کوتی در شهر کلا از دهکده‌های نائلرستاق.
- ۷- قلعه کوتی در دهکده انارچار از دهکده‌های نائلرستاق.

۱- تاریخ طبرستان و رویان و مسازندران چاپ درن، صفحات ۲۹۵ و ۲۹۶.
 ۲- سیدکلا: ده از دهستان نائلرستاق بخش نور شهرستان آمل، ۹ کیلومتری جنوب شرقی سوله (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).
 ۳- اسپه کلا: ده از دهستان نائلرستاق بخش نور شهرستان آمل، دوازده کیلومتری جنوب شرقی سوله (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

۸- بناها و آثار تاریخی میان بند نور

امامزاده قاسم بن علی بن امام محمد باقر معروف به چارسی آقا

در اراضی دهکده پیمد از دهکده‌های میان بند نور

بنایی است چهار گوشه، با ایوانی مقابل در ورودی که دارای شش ستون با سر- ستونهای ظریف است. سه طرف ایوان دارای شیرسر است و لبه بام دارای دوشیرسر و یک پشته است. بلورهای سقف ایوان بر چوبهای بالای شیرسرها متکی است. صندوقی تختدای ساده، در وسط بنای اصلی، مرقدا پوشانده است. در ورودی بنا شرقی است. در محوطه اطراف بقعه گورستانی قدیمی است. در طرف قبلی و شمالی این گورها سنگهایی یک پارچه به پهنای شصت سانتیمتر و درازای یک متر و نیم و در بالاسر و پایین یا سنگهایی سه درازای ۸۰ سانتیمتر و بلندی شصت سانتیمتر قرار داده اند. سنگهای بالاسر دارای سه برآمدگی است و معمولاً نام مدفون بر سنگ بالای سر حاک شده است. هیچیک از نامها بر اثر فرسودگی خوانده نشد. نظیر این سنگها در گورستان فیروزکلا کیچور و گورستان دهکده گویتیر بیرون بشم کلا رستاق دیده شده است. اطراف گنبد شاه بالو در آهودشت را که کهنه بودند همانند این سنگها پیدا شده بود. تاریخ این نوع سنگها تا جائیکه نگارنده اطلاع دارد مقدم بر سنه ۹۰۰ هجری قمری نیست.

درایوان بقعه چارسی آقا سنگ سیاهی است که این عبارات بر آن حک شده است :

« وفات مرحومه جنت آشیان کبریا خاتون بنت مرحمت پناه استاد علیخان ملقب به سیف بتاریخ روز یکشنبه رمضان المبارک ۱۲۶۱ . »
 بر سنگ قبر دیگری در همین گورستان عبارات زیر حک شده است :
 بر کنج سمت راست بالای سنگ :
 « عمل ابراهیم حیدر . »
 بر کنج سمت چپ بالای سنگ :
 « ۱۳۱۳ . »
 در وسط سنگ :
 « وفات . »
 بر کنج سمت راست پایین سنگ :
 « مشهدی یحیی . »
 بر کنج سمت چپ پایین سنگ :
 « ابن ملامین . »

دزدچال^۱ = دزدبن^۲

در چارسی انارکشی ورمال^۳

در زیر دست دهکده « وازک »^۴ و بالادست دهکده « سرگلان » طرف راست رودخانه، در دل کوه، سه غار در سنگ دیده می شود که جلو دهانه دو غار را چیده و

۱- بضم دال اول و کسر دال دوم . ۲- بضم دال اول و کسر دال دوم و فتح باء .
 ۳- انار (بفتح الف) ، کشی (بفتح کاف) ، ورمال (بفتح واو) . ۴- بفتح زاء .

شکل هندسی بدانها داده اند . این غارها نظیر کافر کلیهای^۱ بالا لاریجان ساخته دست انسان قبل از تاریخ است .

قلعه دارگوش

در اراضی دهکده وازک از دهکده های میان بند نور

بر سمت چپ رودخانه وازک ، بر قلعه کوهی منفرد که اطراف آن شیب تند و پرتگاه است ، آثار قلعه ای قدیمی است . سفال شکسته های فراوانی در پای کوه و در شیبهای تند آن دیده می شود . تنها راه رسیدن به بالای کوه ، از اراضی کشتزار دهکده وازک است . ظاهراً این قلعه از سنگ ساخته شده بوده است زیرا نشانی از آجر در بالای کوه و در اطراف آن دیده نشد . در بالای همین کوه ، گورستانی قدیمی که ظاهراً قبور ساکنان قلعه بوده است تا امروز برجای است . گورها دارای لبه های سنگی به بلندی ۵۰ سانتیمتر بوده اند (عکس شماره ۲۰۱) . و نظیر گورهایی است که در چارسی آقا و فیروزکلای کجور و گویتیر بیرون بشم کلاستاق دیده شده است . بر جدار بیرونی تمام سنگها یک حاشیه مانند نقش داراست و سنگ بالاسر دارای سه برآمدگی است . نوشته هایی با خط بد درشت بر این سنگها حک شده است ولی بمرور زمان از میان رفته است . تعداد این نوع گورها بالغ بر ده عدد است . نزدیک محل النقای وازک رود با آب گلندرود^۲ ، بر پای کوهی که قلعه دارگوش بر آن بوده است ، گورستانی دیگر است . در این گورستان قدیمی نام مدفونین را بر سنگهایی که سیلاب آورده است کنده اند . یعنی قسمتی از سنگ را صاف کرده و عباراتی بر این قسمت هموار ، حک کرده اند . هیچیک از این نوشته ها بر اثر فرسودگی قابل خواندن نبود .

۱- بضم کاف دوم . ۲- بفتح کاف و لام و سکون نون و کسر دال .

قلعه‌ای قدیمی

میان درویش کلا و لشکنار از دهکده‌های میان‌بند نور

بر سر تپه‌ای منفرد و برآمده میان دو دهکده درویش کلا و لشکنار آثار قلعه‌ای قدیمی است .

امامزاده عبدالله

در سوردار^۲ میان‌بند نور

اطاقی است چهار گوشه به ابعاد ۴۲۹ × ۴۹۰ سانتیمتر . در میان درازای بنا ، دو ستون چوبین قطور چهارسو با سرستونهای پرکار قرار داده و سرکشی (حمالی) بر آنها کشیده‌اند . بالای دیوارها ، شیرسرهایی نصب کرده و روی آنها را با تیرهای چهارسو بستند . پلورهای سقف بنا ، بر این شیرسرها و سرکش بالای ستونها استوار است . بالای پلورها پردی کوبی (پل کوبی) با تخته‌های رنگین و نقاشی شده است . نقش و نگارهای مختلف بر این تخته‌ها کشیده و آنها را تزیین کردند . درزپوشها نیز لبه‌زده و مزین و منقش‌اند .

سندوقی چوبین در وسط بنا ، مرقد را پوشانده است . درازای آن ۲۱۰ و پهنا و بلندی نیز ۱۰۷ سانتیمتر است .

در ورودی دو لنگه است و کنده کاری دارد . بلندی هر لنگه ۱۶۰ و پهنایش ۴۵ سانتیمتر است .

ایوانی با چهارستون و سرستونهای پرکار جلو بنای اصلی است . سه طرف ایوان دارای شیرس است و بر سرکش بالای ستونها ، از دو طرف شیرس دارد . بر

۱- بفتح لام و سکون شین و کسر کاف . ۲- سوردار نام محلی است از دهستان میان‌بند بخش نور شهرستان آمل (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

سرکش و سرستونها ، ایوانی از هفت بند محشم با مرکب نوشته‌اند . بر دو طرف شیرسرها نیز نوشته‌هایی بوده است که بمرور زمان از میان رفته‌اند و فعلاً روشن و خوانا نیست . بر تخته بالای یکی از شیرسهای ایوان این عبارت خوانده شد :

« یا محمد این عمل کربلائی مرتضی . »

امامزاده صالح

بر بالاترین نقطه کوه سوردار میان‌بند نور

اطاقی است به ابعاد چهار متری . سندوقی تخته‌ای ساده به درازای ۲۰۷ و پهنای ۱۰۷ و بلندی ۱۳۷ در وسط اطاق است . دو ستون چوبین قطور در بالاسرو پایین پای صندوق است . سرستونها و تراش بدنه ستونها بسیار پرکار و ظریف است (عکس شماره ۲۰۲) . دو پنجره نورگیر مشبک در دو ضلع قبلی و شمالی است . وسط هر ضلع طاقنمایی محراب مانند است . در بالای دیوارها با نصب شیرسهای متعدد به زیبایی سقف افزوده‌اند . پلورها بر شیرسها استوار است . بالای پلورها ، پردی کوبی (پل کوبی) است . تمام تخته‌های پردی رنگین و نقش و نگاردار است .

در ورودی شرقی است و در کفش کنی باز می‌شود . بلندی آن ۱۵۵ و پهنای هر لنگه ۴۲ سانتیمتر است .

بر لنگه‌های در ورودی ، این عبارات نقر شده است .

بر لنگه سمت راست : بر لنگه سمت چپ :

« ای درت کعبه ارباب نجات
قبلیتی وجهک فی کل صلات

نماند بعصیان کسی در گرو
که دارد چنین سیدی پیش‌رو

فرمایش جناب آقای نوری
در تمیشان این درها ساخته

علاء رئیس « شده بتاریخ ۱۰ شهرشوال

۱۳۲۰ عمل محمود نجار .

بردماغه در ورق نقره را به شکل دل، چهارپرو دایره در آورده و کوبیده بوده اند. بردایره ای که بر بالای دماغه باقی مانده است، آیاتی از کلام الله مجید نقر شده است. بر چهارچوب در، چشمهای نقره نذری چندی کوبیده شده بود.

باقی بناها و آثار تاریخی میان بند نور

۱- چهل تن، گورستانی نزدیک سوردار .

۲- سنگ قبری قدیمی در دهکده لزیر^۱ جلو خانه آقای محمد اسدی که از چشمه گیجه آورده اند. ظاهراً در چشمه گیجه گورستانی قدیمی بوده است. نگارنده توانست این سنگ را ببیند.

۳- گورستانی قدیمی در دهکده وازک پنج کیلومتری مشرق گلندرود نرسیده به افراچال. معروف است هفتاد تن از امامزادگان در اینجا به خاک سپرده شده اند .

۹- بناها و آثار تاریخی میان رودپایین نور

۱- سیداسکندر امامزاده ای سر راه سعادت آباد (نای = نی)^۱ به ورازده .^۲

۲- قلاکتی که ظاهراً محل قلعه ای قدیمی بوده است . امروز نام دهکده ایست از دهکده های میانرود سفلا ی نور نزدیک قاسم آباد و کنس پان^۳ .

۳- راه قدیمی آمل به نور از کنار دهکده جلیکان از دهکده های میانرود- سفلا می گذرد. این دهکده در سیزده کیلومتری غرب شهر آمل است .

۱- سعادت آباد: ده از دهستان میانرود سفلی بخش نور شهرستان آمل، دوازده کیلومتری غرب آمل. آب از رود انگنارود است (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) . ۲- ورازده بالا و پایین: ده از دهستان میانرود سفلی بخش نور شهرستان آمل، دوازده کیلومتری غرب آمل (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) . ۳- بضم کاف و کسر نون .

۱۰ - بناها و آثار تاریخی لاریج نور

- ۱- قلعه لاریج در جنگل پی نسا.
- ۲- امامزاده ای در دهکده لاریج.

۱۱ - بناها و آثار تاریخی نائیج نور

جغرافیای نائیج نور

نائیج نام دهکده‌هایی است که کنار رودخانه‌ای به نام وازرود قرار گرفته‌اند. آب این رودخانه از پشت تیره تترستاق^۱، از دهکده‌های تابستان نشین گزناسره^۲، خوش‌واش^۳ و نوجمه^۴ و رودبارک سرچشمه می‌گیرد و از چمستان^۵ و ایزده (عزت‌ده) دو دهکده زمستان نشین گذشته به دریای خزر می‌ریزد.

از چمستان کنار آب که رو به بالا برویم از محل‌های زیر می‌گذریم:
جور بند، تنگ سر^۶ واز تنگه، لسی یش^۷، پایین واز، بالاواز، گزناسره، خوش‌واش، نوجمه، پس از طی دامنه کوه رو به غرب می‌توان به رودبارک رسید و از رودبارک پس از گذشتن از گردنه لیلرد^۸ می‌توان به سرداو و هلوپشته رفت. دهکده‌های

-
- ۱- تترستاق (بفتح تاء اول و سکون تاء دوم و ضم راء) نام سه دهکده رزن و کرسی و تیرساق است که کنار رودخانه نوریلاقی قرار گرفته‌اند.
 - ۲- بفتح گاف و سکون زاء و فتح سین و کسر راء.
 - ۳- بکسر شین اول.
 - ۴- بضم نون و جیم.
 - ۵- بفتح چ و کسر میم.
 - ۶- بکسر گاف.
 - ۷- بکسر لام و فتح یاء دوم و سکون شین.
 - ۸- بکسر لام و سکون یاء و ضم لام دوم.

نا پیلاز و سغل^۱ و سنگ درکا^۲ و انگتارود^۳ نیز جزء نائیب به شمار است. آب انگتارود به ایشهرود^۴ (الشهرود) که سامان دشت نور و خاک آمل است می ریزد.

آقانورکیا سلطان

در دولت آباد اودم^۵ از اراضی جوربند نائیب نور

بنایی است از آجر و گچ، از خارج مدور و از داخل هفت ترك است. یعنی دو ضلع شرقی آن را به شکل يك ضلع درآورده و در ورودی بقعه را در آن قرار داده اند. درازای این ضلع ۲۵۰ و درازای اضلاع دیگر ۱۶۰ سانتیمتر است. در هر يك از اضلاع دیگر، طاقنمایی کوتاه با طاقی جناقی ساخته اند. بام بنا گنبدی مدور است و مرقد میان بنا را صندوقی تخته‌ای ساده پوشانده است. در حدود پنجاه سال قبل کفش کنی، جلو در ورودی، متصل به بنای اصلی، اضافه کرده اند. محوطه اطراف بقعه جنگلی انبوه است و درختان شهر (شمشاد جنگلی) فراوان دارد. گرداگرد تنه یکی از درختان شهر به ۹۵ سانتیمتر می رسید. يك اصله درخت تیمجی (امرو) که پنجاه سال پربار و درختان کراب و کهله نیز در اطراف بقعه دیده می شود.

دولت آباد ظاهرآ بادی قدیمی بوده که از میان رفته است، آثار بنا و ساختمان در نقاط زیر دیده می شود:

دولت آباد اودم، شهرکتی^۶، خمند^۷، پی دره.

دولت آباد اودم یعنی قسمتی از دولت آباد که کنار آب رودخانه می افتد. و

- ۱- بفتح سین و غین .
- ۲- بفتح دال .
- ۳- بفتح الف و سکون نون و کسر گاف .
- ۴- بفتح الف .
- ۵- بضم الف و فتح دال .
- ۶- بضم کاف .
- ۷- بفتح خاء و میم .

«شهرکتی» تپه ایست که ظاهراً محل دهکده قدیمی بوده است. خمند به معنی اراضی همد و هموار است.

امامزاده اسماعیل

در دهکده پایین واز نائیب نور

ساختمانی است مربع شکل که سرپوشیده‌ای متصل به آن است. این سرپوشیده دارای هفت ستون چوبین چهارسوی در شمال و پنج ستون در شرق است که تمام آنها سرستون ظریف دارند. کله‌ای^۱ (اجاقی) در این سرپوشیده است که به آتشدان بیشتر شباهت دارد. میان دو ستون از ستونهای شمالی بنا کتیبه چوبین بر سر نال^۲ (حمال) است که این عبارات بر آن حک شده است:

« ۱۳۲۲ »

بسم الله الرحمن الرحيم يا ابا عبدالله - فادخلوها بسلام آمین عمل استاد
علی اصغر ولد ارجمند کربلائی علی مراد سرائی التماس دعا.

ساختمان اصلی بقعه متصل به این سرپوشیده است و در میان آن صندوقی چوبین ساده مرقد را پوشانده است. سراسر بام بنا، يك چکش گردان دارد. لبه بام يك پشته و سراسر بام، لت پوش است.

- ۱- بفتح کاف و کسر لام .
- ۲- بفتح سین .

قلاسر

میان دو آب و از رود^۱ و جز^۲

بر سر کوهی منفرد که ظاهراً آن را کنده و از رشته پشته بریده و قطع کرده اند، آثار قلعه‌ای قدیمی است. از بناهای قلعه چیزی برجای نیست. چاه آب آن نمودار است و قسمتی از سمج و فرارگاه آن باقی است.

قلعه دارنا

بر دست راست آب و از رود

بر بلندترین قلعه منفرد این ناحیه آثار قلعه‌ای قدیمی است. آثار دیوارهای آجری و چاه و آب‌انبار و گنگهای آب آن تا امروز برجای است. علی بن شمس‌الدین مؤلف تاریخ‌خانی از این قلعه در دورانی که اختلاف میان ملک بیستون و ملک کاووس - فرزندان ملک جهانگیر - پیش آمده است مطالبی به شرح زیر نوشته:

«پس از وفات ملک جهانگیر استندار میان دو پسرش ملک کاووس و ملک بیستون بر سر ملک پدرا اختلاف شد. ملک کاووس از میرزا علی کیا کمک خواست. میرزا علی لشکر تنکا بن را به سرداری کیا محمد کیا و لشکر گرجیان را به سرداری کاکو حسام و لشکر سختسر (رامسر) را به سرداری شیخ حسن بفرستاد تا به کجور روند و از آنجا ملک اشرف را بردارند و با او به قلعه نوزد ملک کاووس بروند. در آنجا ملک شاه‌غازی را از لواسان بخواهند و به اتفاق از بلده نور

۱- بکسر زاء. ۲- بضم ج و سکون زاء.

روانه قلعه دارنا شوند. پس از رسیدن به قلعه دارنا، ملک کاووس خیال می‌کرد که مردم قلعه پس از دیدن لشکریان سرازاعات ملک بیستون بیچندو به او بگریزند. اما چنین نشد. سه شب در آنجا مکث کردند به‌الآخره کار به جنگ و جدال کشید. اختلاف میان سران لشکر کمکی ملک کاووس، ملک بیستون را جسورتر کرد. سرانجام ملک کاووس را دستگیر کردند و کشتند. میرزا علی که شکست لشکریان و کشته شدن ملک کاووس را شنید از جای بشد از میر عبدالکریم و آقارستم و لشکرمازندان کمک خواست. اما چون زمستان بود، کار به بهار افتاد.

هنگام بهار، میرزا علی، میر عضدرا نزد سلطان هاشم و ملوک رستم‌دار و ملک اشرف و ملک شاه‌غازی لواسانی فرستاد و از ایشان کمک خواست. از تنکا بن، کیا محمد کیا و لشکریان و ازمازندان میر عبدالکریم و میر کمال‌الدین و آقارستم و لشکر هزار جریب در محل و اتاشان جمع شدند. و در محل قدیمی کهنه‌دوک قلعه‌ای از چوب بنا کردند تا پشت لشکریان بدان گرم باشد و به حوالی قلعه دارنا، رفتند. آقارستم فردای آن روز به‌عنوان گشت به پای قلعه دارنا رفت و هشت روزی در پای قلعه بماند و هر روز جنگ از طرفین بر پای بود و طرفین کشته بسیار دادند. در این وقت ازمازندان خبر رسید که بدیع‌الزمان میرزا بهمازندان آمده و قصد تسخیر آنجا را دارد. آقارستم پس از نوشتن نامه‌ای به میرزا علی خود نیز روانه‌ی مازندان شد و کار ملک بیستون برجای ماند.^۱

۱- تاریخ‌خانی، چاپ نگارنده، صفحات: ۹۱-۹۶.

خرابه‌های قلعه‌ای قدیمی

بوسر کوه علمندار سمت راست و از رود

کوه علمندار دنباله یال فلاسراست. بوسر قلعه‌ای منفرد از این یال، آثار و خرابه‌های قلعه‌ای قدیمی برجای است.

قلعه شاه کوه

بر کوهی منفرد بردست چپ و از رود

از خرابه‌های این قلعه که بالای تنگه رود بارک قرار می‌گیرد چند آب‌انبار باقی است.

قلعه فلا

در مرتع فلا پشت دهکده بالاواز

خرابه‌های قلعه‌ای قدیمی در این مرتع دیده می‌شود.

قلعه کوتی

در مرتع کوتی بردست راست آب و از رود

در این مرتع نیز آثار قلعه‌ای قدیمی برجای است.

خرابه دهکده‌ای قدیمی

در همندا بلی^۳ طرف چپ آب و از رود

میان آب رود بارک و آب بلی، دره کوچکی است. نزدیک این دره همندی است که در آن آثار خانه‌های قدیمی دیده می‌شود.

۱- بفتح گاف. ۲- بضم هاء و فتح میم، به معنی زمین صاف است. ۳- بفتح باء.

قلعه فیروز کوه

پشت دهکده پایین و از بر طرف چپ آب و از رود

آثار قلعه‌ای قدیمی که مصالح آن سنگ و آجر بوده است برجای است.

گنج کول^۱بالای تیره دوم کوه پشت دهکده نوجه^۲

گنج کول یعنی تپه‌ای که در آن گنج است. چون از این تپه که ظاهراً گورستان قدیمی است در کندوکاوها لوازمی به دست آورده‌اند به این نام معروف شده است.

قلعه‌ای قدیمی در گردن سر^۳

در مرتع دوله سرای رود بارک نائیج

در این مرتع آثار دیوارهای قلعه‌ای قدیمی برجای است. مصالح آن سنگ و گچ است.

صندوق نوجه

در یکی از خانه‌های نوجه صندوقی چوبین مورخ ۱۲۷۲ قمری دیده شد (عکس شماره ۲۰۳).

۱- بکسر جیم. ۲- بضم نون و جیم. ۳- بکسر نون.

باقی بناها و آثار تاریخی دشت نور

- ۱- پلی سنگی در شمال دهکده علی‌آباد^۱ نایب نور .
- ۲- شاه ماسلیمان در شمال دهکده علی‌آباد نایب نور .
- ۳- امامزاده قاسم در دهکده امیارد^۲ (انبارده) نایب نور .
- ۴- آقا شاهپوری (آقا شاه فارسی) در قلعه‌ای به نام شاپوری در شمال دهکده گزناسرا^۳ از دهستان نایب نور.

بخش پنجم

لار قصران و بالا لاریجان

۱- جغرافیای تاریخی لار قصران

دره لار از سمت شمال غربی به ناحیه کوهستانی نور و از طرف جنوب به افجه و لواسان و بومهن و از مغرب به کوه‌های امامه و گرما بدر و از طرف شمال به کوه‌های دلارستاق لاریجان محدود می‌شود . پهن‌ترین نقطه این دره در میانرود است و در اینجا است که رودخانه لار از میان کوه‌الرم و کوه پهنک می‌گذرد و در همین جاست که چمن سیاه‌پلاس با چمن‌لار به هم می‌رسند . پهنای دره پهنک در حدود پنج تا شش کیلومتر است و تنگترین قسمت این دره شاید در « بستک » باشد که فاصله میان کوه شرقی و غربی بیش از سیصد متر نیست .

آب دره لار از کوه خرسنگ سرچشمه می‌گیرد و پس از پیمودن ده کیلومتر آب‌های سفیدآب و ملک‌چشمه بد آن افزوده می‌شود و مسیر خود را به طرف جنوب می‌گرداند تا به میانرود برسد که آب کوه‌های کاسونه و جودی به آن می‌پیوندد . از

۱ - علی‌آباد : ده از دهستان نایب بخش نور شهرستان آمل ، ۹ کیلومتری غرب آمل (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .
 ۲- انبارده : ده از دهستان نایب بخش نور شهرستان آمل (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .
 ۳- گزناسرا : ده از دهستان نایب بخش نور شهرستان آمل ، ۳۵ کیلومتری جنوب غربی آمل (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

اینجا مسیر آن از غرب به شرق است و آبهای چشمدها و دره‌های فرعی به آن می‌ریزد تا به پل پلور برسد و به آب هراز ملحق شود.

با بودن زمینهای مساعد و آب فراوان، هیچگونه آبادانی در این پهنه وسیع دیده نمی‌شود و اراضی قابل کشت آن تمام مرتع و چراگاه است. شاید برف فراوان و سرمای شدید، سبب شده است که این دره پهناور فقط تابستان نشین باشد.

سید ظهیرالدین مرعشی خرابی لار را به دوران باستانی و داستانی ایران رسانده و می‌نویسد که گرگین میلاد درری حکومت داشت زمستانها به دره کرج رود و تابستانها به دره لار می‌رفت. چون در زمان شاه کیخسرو با بیژن گیوان غدیر کرده بود و او را در قید اسار انداخته و گیورا موطن و مقام ارقم بود و گودرز را اصفهان، گرگین در آن قرب جوار نتوانست بودن به گرگان رفت، پس از آباد کردن گرگان در آنجا نیز نماند به لارپارس رفت و لار رستم‌دار از آن باز ویران گشت.^۱

در سال ۱۰۷۴ قمری شاه عباس ثانی (۱۰۷۳ - ۱۰۵۲) از ساری از راه فیروزکوه به چمن لار رفت^۲ شاه قصد داشت از راه لواسان متوجه شهر تهران شود ولی نشیب و فراز راه را که دید از راه دماوند خود را به تهران رساند.^۳

رایینو در سفرنامه مازندران و استراباد از مراتع لار بدین ترتیب نام برده است:
« چشمه‌شاه، چهل چشمه، گیلردک، امامزاده امام موسی، یورت خان احمد، یورت خانلر خان، خرسنگ، لته بند، سه دره، کاروانسرای سرخک و کاروانسرای بستک و کاروانسرای سفیداب سر راه تهران به بلده نوراژ طریق لشکرک.^۴»

۱ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، چاپ درن، ص ۳۰. ۲ - عباسنامه، ص ۳۲۸. ۳ - عباسنامه، ص ۳۳۰. ۴ - ترجمه سفرنامه مازندران و استراباد، ص ۱۵۵ ن. ک. به متن انگلیسی، ص ۴۲-۴۰.

محمدحسنخان صنع الدوله که در سفر بیلاق سنه هزار و دو بیست و نود و هشت هجری ثیلان ثیل ترکی در التزام رکب ناصرالدین شاه بوده، رساله‌ای به نام «جغرافی لار» نوشته که دارای مطالب مفیدی است. نسخه‌ای از این رساله در کتابخانه ملی است.^۱ چنانکه از مطالب این رساله برمی‌آید در قرون اولیه اسلامی در ناحیه لار آبادانی بوده است.

۱ - شماره ۳۹ کتب خطی کتابخانه ملی ایران.

کرده این قلعه باشد. سیدظهیرالدین جریان فتح این قلعه را چنین نوشته است:

« چون خاطر از قلعه نور ورود بار نور آسوده گشت، به جانب لار توجه نمودند و در موضعی که اسپه او (سفید آب) می خوانند نزول کردند. و در لار قلعه ای بود حصین و کوه توال آنجا مقیم و ذخیره موجود. چون به پای قلعه فرود آمدند، کوه توال قلعه جنگ را آماده گشت و در مقام عناد اهتمام نمود. دانستند که چون اول سنبله می شود، در آن مقام وحوش و طیور را به صحرا بودن، به سبب شدت سرما ممکن نیست. فرمودند که بالای قلعه اولی، قلعه ای دیگر بنیاد نهادند، چنانکه سر کوب قلعه اولی باشد و به سعی تمام در آن مهام اشتغال نمودند و آن قلعه را تا هوا خنک گشتن تمام ساختند و علوفه تعیین کردند و صد و پنجاه نفر مردکار را با سرداری دانا و شجاع در آن قلعه بازداشتند و چون نسق فرمودند، اصحاب قلعه اولی سرازخانه بیرون نمی توانستند بر آورد که اگر بیرون می آمدند، به زخم ناوک جاندوز مجروح و مقتول می ساختند. و آثار قلعه کهنه در «قلعه نو» اکنون باقی است.... مردم قلعه لار چون دیدند که فایده نمی کند، امان خواستند و قلعه لار را بسپردند و هر دو قلعه را فرمودند تا ویران ساختند. »^۱

قلعه ای قدیمی و کاروانسرای سنگی

در بستک لار

بر سمت چپ آب لار و در فاصله کمی از آن، در بلاق بستک، پوزه کوهی است که از شرق به غرب کشیده شده و نزدیک کاروانسرای بستک به کنار دره منتهی می شود. در یکی دو نقطه دامنه این کوه، آثار برج نگهبانی است و بر بالای آن که قلعه ای منفرد

۱- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۲۸۸.

۲= بناها و آثار تاریخی لار قصران

قلعه محمدعلی بیگ پیکان

میان مرتع گل گچ و بستک لار

بر بالای کوهی بر سمت راست آب، قلعه بزرگی از سنگ و گچ است. قلعه قدیمی به نظر رسید. احتمال دارد چون در این اواخر به دست محمدعلی بیگ افتاده باشد به نام او معروف شده است.

کاروانسرای سفیداب

پایین کوه سفیداب و نزدیک چشمه ای به همین نام

در پای کوه سفیداب، کاروانسرای از سنگ و گچ است. طاقهای مدوری از سنگ و گچ بر آن زده اند.

قلعه نو

در بالای کوهی به همین نام نزدیک سفیداب لار

در سمت چپ رودخانه لار، در شمال کوهی به نام «قلعه نو» آثار قلعه خرابه قدیمی از سنگ و گچ است. شاید قلعه ای که سید فخرالدین در سال ۷۸۴ در لار فتح

است، آثار بناهایی از سنگ و گچ دیده می‌شود. این قلعه را به نام «قلعه بستک» می‌شناسند.

برکنار این پوزه کوه کاروانسرای از سنگ و گچ با طاقهای گنبدی است که بر سر راه کاروانی نور است.

امامزاده پنج تن

در مغرب کوه فولادچشمه در کنار رودخانه

بنایی است ساده از سنگ و گچ که هیچگونه آثار هنری در آن دیده نشد.

قبر ملک سلطان

پایین کوه خشک رود در چمن ملک سلطان

گوری منفرد به نام «قبر ملک سلطان» در چمنی پهناور به همین نام است.

کافر قلعه

در بالای کوهی به همین نام در جنوب کوه غرغره

قلعه خرابه‌ایست از سنگ و گچ. قدمت بنای آن شاید به دوران اسماعیلیان

برسد.

امامزاده ابن امام موسی

در لار قصران

بنایی است از سنگ و گچ بر سمت راست رودخانه لار با بامی گهواره‌ای که با

همین مصالح زده‌اند. کف بنا را کندوکاو کرده بودند.

عمارت خانلرخان سیل سپر^۱

در دامنه شمالی کوه پهنک در چهل چشمه لار

خانلرخان سیل سپر که در ورامین املاک دارد، در چهل چشمه لار طبرستان بیلاق می‌کند. بنای عمارتی کرد که از برف خراب شد. آثار آن باقی است.^۲

خوشی‌خانه = قوشخانه

در جنوب دره لار میان دره قوشخانه و الرم^۳

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در سال ۱۲۹۸ ه.ق. که در رکاب ناصرالدین شاه به دره لار رفته، این شرح را درباره بنای خوشی‌خانه نوشته است:

« خرابه معروف به خوشی‌خانه عبارت است از تپه‌ای خاکی که دره قوشخانه در طرف جنوب آن و خرابه‌های الرم در طرف شمال در محاذ آن واقع است و تپه مزبور در سمت جنوب رودخانه لار، در جلگه دیده می‌شود و ارتفاع آن به خط عمودی بیست و هشت ذرع است و محیط آن هشتاد ذرع و در این سنوات کسی ملتفت نبود که این تپه طبیعی است یا مصنوعی، یعنی آثار خرابه عمارتی یا بنائی است.

در سفر بیلاق هذه السنة ثیلان نیل هزار و دو بیست و نود و هشت هجری حسین خان محلاتی پیشخدمت که پدر او ابراهیم خان پیشخدمت، علاقه در لواسان دارد، به عرض حضور اقدس همایون رسانید که لواسانیها بعضی کاشیهای ممتاز از تپه قوشخانه به لواسان آورده و در حمام نصب کرده‌اند. همچنین بعضی

۱- بکسر سین دوم و ضم پ، ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد رابینو، ص ۱۵۵.

۲- مرآت البلدان، ج ۴، ص ۳۰۳. ۳- بفتح الف و لام و سکون راء و میم.

آجرهای خوب بزرگ . آقا محمدعلی امین حضرت آبدارباشی مأمور تحقیق و انکشاف این مسئله شده ، تپه را پیدا نمود و معلوم شد که این تپه خاکی و طبیعی نیست، بلکه عمارت عالی در این محل بوده که خراب شده و مصالح زیاد آن عمارت این تپه را تشکیل داده و بمرور دهور باد ، خاک بر روی خرابهها ریخته و غلف روئیده و هیأت تپه طبیعی بهم رسانیده است . محض مزید استبصار، حکم همایون شد بعضی جاهای تپه را حفر کنند و جناب امین - الملك و نگارنده مأمور شدیم که استقصائی در این باب بنمائیم . در اثنا حفر و کاوش تپه، بعضی کاشیهای بسیار ممتاز خوب بهیأت و شکلهای مختلف پیدا شد که متن آنها سفید بود و وسط را بطرزهای مختلف نقاشی کرده و دور هر کاشی کتیبه‌ای بدخطی که مابین خط نستعلیق و نسخ بود ، اشعار نوشته . ابتدا چنین بد نظر آمد که این بنا مقبره شخصی بزرگ یا بقعه امامزاده‌ای بوده . بعد دوسه فرد ناقص از اشعار کتیبه پیدا شد و خواندیم معلوم شد که بقعه و مقبره نبوده ، زیرا که اشعار مناسبتی با این قسم اماکن نداشت و از جمله اشعار مزبوره یکی این است .

بکام تو بادا همه کارتو خداوند بادا نگهدار تو

خلاصه معمار مخصوصی از شهر احضار شد که به قاعده معماری و بنائی، اطراف تپه را خالی کند تا چه معلوم گردد . بعد از آنکه يك ماه تقریباً در این محل کار کردند و دو نلث از تپه را از خاک و آجر پاردهای خراب شده پاک و مستخلص ساختند، معلوم و محقق شد که این عمارت تفرجگاه و محل زهت و تفریح بوده و ملکیهای رویان و رستم دار آن را به جهت بیلاق خود بنا کرده بوده‌اند . وضع این عمارت آنچه خود نگارنده رفته و به رأی العین و تحقیق دید ،

دومر تپه بوده، پایین مشتمل بر چهار صفه و چهار راهرو، در چهار ضلع و يك گنبد بزرگی در وسط . عرض صفههای پایین سه ذرع و طول دو صفه چهار ذرع و طول دو صفه دیگر هشت ذرع و چهار درگاه که به دالانهای کوچک باز می‌شده، مدخل و مخرج این حوضخانه بوده که هر دالانی اطاقی سه ذرع در سه ذرع به نظر می‌آید و از سمت مشرق پله می‌خورد و به مرتبه فوقانی می‌رفته است.

مرتبه فوقانی عمارت مئمنی بوده و دور مرتبه فوقانی ، از آثار آجری که هنوز مفروش است و هر ه‌ای که دور فرس آجری باقی می‌باشد، معلوم می‌گردد که ایوانی بوده است و فوقانی منحصر به يك اطاق ، شاید در یکی از سالها برف زیادی آمده باشد یا زلزله شدیدی شده ، سقف مرتبه فوقانی را که طاق بوده، خراب کرده، روی سقف حوضخانه ریخته، آن هم خراب شده و کم کم بواسطه عدم توجه و مراقبت رو به انهدام نهاده است . در وسط حوضخانه، حوضی مربع مستطیل به نظر می‌آید .

این عمارت بسیار عالی و اطراف آن یقیناً باغ بزرگی بوده، زیرا که در اصل وسط جلگه لار واقع شده است . شخصی که این عمارت را بنا کرده چون در آن اوقات اسلحه آتشی از قبیل توپ و تفنگ در این حدود معمول نبوده و فقط سلاحی که برای جنگ از دور به کار می‌بردند، تیر و کمان و فلاخن بود، در بنای عمارت ملاحظه شده که از اسلحه دوران نام معموله آن وقت محفوظ باشد و پیدا است که مثل فلاخن و تیر و کمان بهیچوجه از مسافت بعیده که کوههای اطراف لار باشد ، به این عمارت نمی‌توانسته است رسید . خلاصه از دره قوشخانه ، آب به اطراف این عمارت و جلگه می‌آورده‌اند چنانکه

آثار نهر قدیمی آن در بعضی جاها که به دقت ملاحظه نمایند بخوبی نمایان و پیداست .

در سمت جنوب تپه مزبوره به فاصله بیست ذرع، يك تپه کوچکی که بعضی آجر شکسته و مصالح کهنه دارد ، به نظر می آید و احتمال کلی می رود که آن تپه کوچک عمارتی بوده از متعلقات این قصر . نیز به فاصله صد ذرع به طرف جنوب شرقی ، به همین فاصله طرف جنوب غربی ، زمین پست و بلند مصالح کهنه و پاره های آجر زیاد ریخته است و ظن غالب این است که عمارت اندرونی یا بیوتات عملة خاصه بانی قصر خوشی خانه بوده است .

این قصر از حیثیت مکان در بهترین نقاط لار واقع شده است . کاشی هایی که از حیثیت وضع و لون خیلی مختلف می باشد و نقشهای بسیار عجیب و غریب بسیار ممتاز و گچ بریهای بسیار خوب که در گچ بری به خط کوفی عبارات و خطوط در آورده بودند ، دیده شد . در يك قطعه کاشی آبی رنگ فیروزه ، به خط ثلث برجسته ، لفظ «ملکی» خوانده می شود . اما بقیه کاشی شکسته و مفقود بود ، تاریخ مختصری که مشکوک است که آیا تاریخ است یا نقش و بته ، در این کاشیها مشهود می شد و چون کاشی شکسته بود ، تحقیق آن صورت تعذر داشت . به رقم هندسی يك هشت که نوك مثلث آن پریده و دو رقم دیگر که بالای آنها هم پریده که هشتصد و پانزده یا هشتصد و بیست و دو یا هشتصد و چهل و چهار یا چهل و نه باشد ، از این قبیل به نظر می آمد و در صورتیکه نقش و گل و بته نباشد ارقام اعداد باشد ، در هشتصد آن حرفی نیست و دو رقم دیگر مشکوک است . اقوی دلیل بر اینکه خوشی خانه ، قصر معتبر و محل ییلاقی شخصی بزرگ بوده این است که در هر قطعه کاشی که زیاده از اندازه کف دستی نیست ، یکی دو نخود طلای بسیار ممتاز آبی به طور تذهیب به

این کاشی چسبیده که حالا به اشاره دست به خوبی آن ورق طلا ، از روی کاشی برداشته می شود و این اوراق طلا در گل و بته های کاشی درجائی استعمال شده که آن گل و بته را برجسته و از روی کاشی سوا کرده بوده اند و این طلاها را روی خطوط و گل و بته های برجسته چسبانیده اند . امتیاز کاشی کاری این محل هر چه نوشته شود کم است . علی الخصوص در تعریف يك قسم کاشی که در قدیم معمول بوده با يك فلزی و يك قسم مینا کاری پخته در کاشی می کرده اند . که در آفتاب و روشنایی رنگ پرطاووسی داشته است . این صنعت حالا در ایران متروک است و فرنگیها هم هر چه خواسته اند بفهمند درك نکرده اند . شخصی که پنجاه سال قبل با کمال دقت نقشه کار را برداشته ، دره قوشخانه را دره خوشخانه نوشته و باید این لفظ صحیح باشد چرا که آب این دره به این قصر می آمده و دره منسوب به این قصر است ، چنانکه در محاذات قصر واقع شده و احتمال بلکه یقین است که اسم عمارت مزبوره «خوشی خانه» بوده و در تلفظ «خوشخانه» گفته اند و کم کم به «قوشخانه» مشتبه گردیده و الا در این محل موقع قوشخانه نیست . علاوه بر اینکه در طبرستان و مازندران و این نواحی لغت ترکی کمتر استعمال می شده و قوش لغت ترکی است . آجرهای عمارت خرابه خوشی خانه به اندازه بیست و پنج سانتیمتر در بیست و پنج سانتیمتر است و قطر آن پنج سانتیمتر می باشد .^۱

۱- جغرافی لار ، شماره ۶۳۹ ، نسخ خطی کتابخانه ملی تهران .

تپه نقاره‌خانه بر سمت چپ آب رودخانه لار

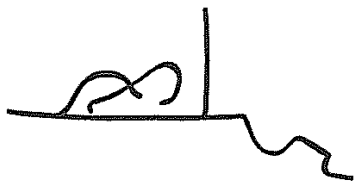
روبروی خرابه‌های قصر خوشی خانه تپه ایست که معروف به نقاره‌خانه است، ظاهراً این تپه نیز آثار بنا و ساختمان است.

نمد جوق

نمدجوق نهری است قدیمی که سر بند آن در رودخانه دلی چای است و در حدود ده کیلومتر از محل التقای رودخانه دلی چای با رودخانه لارفاصله دارد. می‌گویند برای اینکه آب در مسیر این جوی فرو نرود و هرز نشود، کف و بدنه جوی را با نمد فرش کرده بوده‌اند. این نهر بسیار قدیمی است، زیرا در حدود هفت کیلومتر که از مصب آن دور شدیم بر طرف دست راست به بندی برمی‌خوریم که کتیبه‌ای به درازای ۱۱۰ و پهنای ۸۰ سانتیمتر بر سینه سنگی که مسلط بر نهر است کنده‌اند. متن کتیبه از میان رفته و ظاهراً به عمده آن را محو کرده‌اند. در سطر دوم کلمه «سلطان» و در سطر آخر کلمات «من شهور» کم و بیش خوانده می‌شود (عکس شماره ۲۰۳). برگوشه سمت راست پایین، خارج از متن کتیبه «کتبه محمود رستم‌داری» روشن و واضح است. بی‌عیب و سالم ماندن نام کتاب، نشان می‌دهد که متن را باید به عللی از میان برده باشند. در حدود دو کیلومتر از این بند به طرف سر بند نهر که پیش‌رفتیم به بند دیگری از کوه می‌رسیم که برای نهر نمدجوق، مسیری در دل سنگ کنده‌اند (عکس شماره ۲۰۵). این مسیر به درازای ده متر و پهنای ۸۰ و بلندی ۹۰ سانتیمتر است. بر سنگهای طرف دست راست این بند علائم و خطوط کوفی قدیمی دیده شد. یکی از کتیبه‌ها به ابعاد

۷۰ × ۵۰ سانتیمتر بود (عکس شماره ۲۰۶).

نشان زیر در کتیبه‌ها تکرار می‌شد (عکس شماره ۲۰۷) و کلمات «حسن»، «علی» و «محمد» در میان متن کتیبه‌ها خوانده شد (عکس شماره ۲۰۸).



این نوشته‌ها نظیر سنگ نوشته‌های

آزوی نوا بود و ظاهراً یادگاری گروهی است که نشانی مخصوص داشته‌اند.

تا سر بند که آب نهر نمدجوق از تند آبهای دلی چای جدا می‌شود پیش رفتیم و نشانی از کتیبه‌های دختر زردشتی و عباسقلی خان لاریجانی امیرمکرم نیافتیم.^۱ در میان ساکنان پلور واسک معروف است که نهر نمدجوق را دختری زردشتی ساخته و کتیبه‌ای در سر بند نوشته است که این کار عظیم و شگرفی بود که زنی انجام داد و پس از این مردی که قدرت تعمیر کردن این نهر را هم داشته باشد پیدا نخواهد شد. عباسقلی خان لاریجانی امیرمکرم که از مطالب چنین کتیبه‌ای باخبر می‌شود، کمر به تعمیر و مرمت این نهر می‌بندد و آب را به اراضی مزروعی نیک^۲ و سنگ‌چین می‌رساند و بر کتیبه‌ای میان نیک و دار بند می‌نویسد:

« دختر آتش پرست باد پیمارا بگو خاک بر سر کن که آب رفته باز آمد به جو

عباسقلی لاریجانی.»

نهر نمدجوق بر سمت چپ رودخانه دلی چای است و در حدود سه کیلومتری محل التقای آن با رودخانه لار به دو شعبه تقسیم می‌شده است، شعبه‌ای به اراضی نیک و

۱- راهنمای مآقای قدمعلی پدیدار بود. ۲- بکسر نون و فتح باء.

شعبه دیگر به اراضی سنگ‌چین می‌آمده است. در اراضی سنگ‌چین فعلاً بناهایی برای سدسازی ساخته‌اند.

رودخانه دلی‌چای از جنوب شرقی دماوند کوه از چشمه «کلوم» سرچشمه می‌گیرد. سربند نمودجوق به نام «سربند تاریخ» مشهور است. از این سربند، نهر دیگر برسمت راست دلی‌چای کنده‌اند که آب آن برای اراضی مزروعی «نمک‌کوسر» و «دنبک» می‌رفته است.

دهکده‌های قدیمی

در اراضی سنگ‌چین و نمک‌کوسر لار

در دو کیلومتری مصب دلی‌چای، بر دوطرف این رود، آثار دهکده‌های قدیمی است. اراضی کشت سنگ‌چین و نمک‌کوسر متعلق به این آبادی بوده است. سنگ‌فراوانی در پهنه‌ای به ابعاد پانصد در سیصد متر در دوطرف دلی‌چای، محل این آبادی بوده است (عکس شماره ۲۰۹) و سفال فراوان بی‌لعب در اطراف این سنگپاست. سه‌چهار پاره سفال لعاب‌دار به رنگ آبی آسمانی و نیلی دیده شد. دو پاره از سفالها در دوطرف لعاب داشتند.

آبادی و گورستانی قدیمی

در یوردالرم^۱

در یوردالرم، بالای قهوه‌خانه گزل دره^۲، در کنار آب رودخانه لار آثار سنگ‌چین زیادی است که خانه‌های دهکده‌های قدیمی بوده است در نزدیکی این سنگ‌چینها، گورستانی قدیمی است. هیچگونه نوشته‌ای در این گورستان دیده نشد.

۱- بفتح الف و لام و سکون راء و میم .
۲- گزل بضم گاف و فتح زاء و سکون لام

کلمه‌ای ترکی و به معنی زیبا و قشنگ است .

آثار تاریخی

در دهنه دره لار از مضافات بالا لاریجان

در دهنه این دره آثار قدیمی پیدا می‌شود. بعضی جاهای آن را پنج سال قبل حفر کردند شمع‌دان چدنی کار قدیم و بعضی اسباب دیگر بیرون آمد.^۱

۱- مرآت البلدان، ج ۴، ص ۳۰۳، پنج سال قبل ظاهراً سال ۱۲۹۱ ه. ق. است.

بلوك سفلی با پایین لاریجان شامل بخشهای: امیری، بهرستاق ودلاستاق است. در دوران قارجای مجموعاً هفتاد و پنج قریه جزء لاریجان بوده است.

دره لار که از قدیم بسه نام «لار قصران» یا «لارستمدار» شناخته شده است، هیچگاه ناحیه‌ای جداگانه نبوده و بیشتر اوقات سلاطین استمدار که در رویان یا رستمدار سلطنت داشته‌اند بر دره لار و قصران داخل (بخش لواسان امروز) مسلط بوده‌اند و از آنجا که آبریز آن به طرف مازندران و دره هراز است، مسالین ناحیه را نیز جزء لاریجان به حساب آوردیم و آثار تاریخی آن را جزء بلوك لاریجان ذکر کردیم.

محمد حسن خان اعتماد السلطنه روز یکشنبه اول شهر رجب المرجب سال ۱۲۹۶ ه.ق. از شمیران به سمت بیلاق لار، در رکاب ناصرالدین شاه حرکت کرده و روز چهارشنبه چهارم در مرغسر و روز پنجشنبه پنجم و جمعه ششم و شنبه هفتم و یکشنبه هشتم رجب در سیاه‌پلاس لار اتراق کرده‌اند. روز دوشنبه نهم به پلور و سه‌شنبه دهم به اسک پایتخت لاریجان رسیده‌اند. چهارشنبه یازدهم و پنجشنبه دوازدهم و جمعه سیزدهم در اسک اتراق کرده‌اند. شنبه چهاردهم به رینه رفته و از رینه به پلور بازگشته‌اند. روز یکشنبه پانزدهم در پلور اتراق کرده‌اند. روز دوشنبه شانزدهم از پلور به لاسم و تنگه انگمار حرکت کرده و در انگمار توقف کرده‌اند. ارتفاع انگمار از زمین شمیران ۱۴۵۰ پا است. از اینجا ظاهراً به فیروزکوه رفته‌اند و این قسمت از مسافرتشان به کار مطالعه ما ارتباطی ندارد.

اعتماد السلطنه از یکی دوده‌گده دیگر بلوك بالا لاریجان دیدن کرده و اطلاعات مفیدی برای ما به یادگار گذاشته است که مادر ذیل هر يك از دهگده‌ها به بررسیهای او اشاره خواهیم کرد.

۳- جغرافیای تاریخی لاریجان

کلمه لاریجان که در بیشتر کتب تاریخی مازندران «لارجان» (بکسر راء) ضبط شده است، ظاهراً از دو جزء «لارج» + «ان» ترکیب شده است. کلمه «لارج» شکل دیگری است از کلمه «لاریگ» که در فارسی دری «لاری» می‌گوئیم. ظاهراً پس از خراب شدن دهگده‌های لار قصران، مردم آن، به نواحی گرمتر که کنار رودخانه هراز باشد، آمده‌اند.

در دوران قاجاری و شاید پیشتر از آن، لاریجان به چهار بلوك تقسیم می‌شده است:

بلوك علیا یا بالا لاریجان که اسک مرکز آن بود و دهگده‌های زیر جزء آن به شمار می‌آمد:

رینه، ایرا، نیك، کنار کام^۱، نوا، زیار، لاسم، مون، انبه، کندلی^۲، گیلان کیا، گرن، لوزرك (لوزرك)، گرماب سر، ملارد، اهرینه، گزانه، گزنك، مزرعه پلور^۳.

۱- در جلد ۲ کتب کتابخانه بیوتات سلطنتی شماره ۷۲۶، صفحات ۱۲۸ الف و ۲۸ ب، اطلاعاتی درباره اسک دارد. ۲- ضبط اعتماد السلطنه است. امروز کنار انگام یا کنار انجام گویند. ۳- اهالی «کندلو» گویند. ۴- ظاهراً پلور در این وقت آبادی نداشته است.

برای گردآوری بناها و آثار تاریخی بالا لاریجان و پایین لاریجان ودشت لار
ماز کتل امامزاده هاشم شروع کردیم و در امتداد رودخانه ، تاسامان نمارستاق نسور
پیش رفتیم و دره‌های فرعی چپ و راست آب هر از را از زیر نظر گذرانیدیم .

۴= بناها و آثار تاریخی بالا لاریجان

بزموشا = کتل امامزاده هاشم

کتل امامزاده هاشم از سایر گردنه‌های رشته البرز پست تر است و به علت همین
پست بودن اغلب بادگیر است . در فصل زمستان بورانهای شدیدی دارد و در دوران
چارواداری ، سالی نبود که این کتل هفت هشت قربانی نگیرد . بسیاری از چارواداران و
مسافران در بورانهای شدید این کتل از میان رفته اند . قهوه‌چی مسن قهوه‌خانه کتل ،
خاطرات زیادی از مرگ و میر چارواداران و مسافران به خاطر داشت و برای آیندگان و
روندگان نقل می‌کرد . از اینرو مردمان خیراندیش ، برای سلامت گذریان ،
کاروانسراهایی بر سر این راه ساخته اند .

رودهن دهکده بزرگی است و کاروانسراهای متعدد داشت و بارانداز مسافران و
چارواداران بود . از رودهن کسه به راه می‌افتادند به کاروانسرای در اراضی اوزینه
(بیست آبعلی امروز) می‌رسیدند . از اینجا راه به سر بالای می‌افتاد تا بالای کتل
امامزاده هاشم که به کاروانسرای دیگری می‌رسید .

کاروانسراهای دامنه جنوبی و شمالی کتل ، نزدیک به یکدیگر است و فاصله
میان آنها از یکی دو فرسنگ تجاوز نمی‌کند . فواصل میان یکی دو کاروانسرا مثل

کاروانسرای دشت موشاوسر کتل و کاروانسرای سرکتل و گمبوج نیز از این مقدار کمتر است. این کوتاهی فاصله بیشتر از این نظر بوده است که کسانی که در بورانهای شدید گیر افتاده اند، بتوانند زودتر به پناهگاهی برسند.

هنگامی که سیدظهیرالدین مرعشی در رجب ۸۶۰ ه. ق. ملک کاووس را دنبال می کرد، از بزم موشا گذشته، اما هیچگونه یادی از امامزاده یا کاروانسرای سرکتل نکرده است. مسلماً امامزاده و کاروانسرای بالای کتل پس از این تاریخ ساخته شده اند. او می نویسد:

«چون شب در آمد و هوا بغایت خنک بود و او اواسط قوس شده بود و آنجا قلدهای رفیعه است مثل بزم موشا که خنکی آن موضع مشهور است. از آن باغ لوندر سوار شده، به قریه پلور به خانقاهی^۱ که آنجاست زمانی مکث رفت، چندانکه دست و پای مردم که خنک شده بوده و نزدیک بود که از کار بیفتند، در خانقاه به آتش گرم کردند و از آنجا روان گشته از راه بزم موشا دو انبده آمد. چون صبح برآمد از آن موضع مخوف پر برف بعون الله به سلامت گذشته شد و بر ملک کاووس دو انبده آمد.»^۲

امامزاده هاشم و کاروانسرای آن در بالای کتل امامزاده هاشم

در بالای کتل امامزاده هاشم که بلندی آن از سطح دریا ۲۶۴۰ متر است، در

۱- به مفهومی که امروز ما به کار می بریم نیست. این لغت درست به معنی بارانداز و کاروانسراست. خانقاهی که بتواند « سیصد نفر از گیل و دیلم و گرجی و تنکابنی » همراهان سیدظهیرالدین را جای بدهد باید جای بزرگی بوده باشد. از این بنا امروز اثری نیست.

۲- تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۲۸۴.

زمان شاه عباس امامزاده (عکس شماره ۲۱۰) و کاروانسرای ساخته شده است. ضلع شرقی این کاروانسرا ۱۵ متر و ضلع شمالی آن ۱۵/۵ متر است. از اینجا دیوار بنا مضرس و دندانهدار است و پس و پیش رفته است. اندازه های آن به ترتیب از این قرارند: قسمتی از ضلع غربی ۵/۵ متر، دوباره همین ضلع روی به شمال به درازای ۶/۵ متر ساخته شده باز امتداد ضلع رو به غرب به درازای ۳/۷۵ متر است و باز امتداد ضلع در جهت شمالی ۱۱/۵ متر. امتداد رو به غرب ۶ متر و امتداد رو به جنوب ۶/۲۵ و امتداد رو به غرب ۷/۱۵ و قسمتی از ضلع جنوبی ۱۸ متر و قسمت دیگر آن ۱۰ متر تمام است.

به دستور علیاحضرت شهبانو اداره کل باستان شناسی نمای سنگی تازه را روی پایه های شاه عباسی گذاشتند و مرمت کردند (عکس شماره ۲۱۱). در امتداد جنوب امامزاده قهوه خانه و محل بار بود که فعلاً شبستانی به جای آنها ساخته اند. قسمت شمالی شبستان باقیمانده آثار شاه عباسی است.

کاروانسرای شاه عباسی در مشرق بنای امامزاده است که فعلاً تبدیل به انبار شده است.

راه شاه عباسی

از سرکتل امامزاده هاشم تا آبگرم بالا لاریجان

این راه که امروز به راه شاه عباسی معروف است، ظاهراً خیلی پیشتر از زمان شاه عباس، ساخته و پرداخته بوده و آمد و رفتی داشته است. شاه عباس همچون ناصرالدین شاه، آن را تعمیر و مرمتی کرده است. راه قدیم از نقاط زیر می گذرد:

کاروانسرای کتل امامزاده هاشم، گمبوج پیرعلی، گمبوج نعل شکن، پلسور، سگ چال، نرزن آ، پایین محل پادگان فعلی، پایین امامزاده محمد طاهر، پشت دهکده

۱- بفتح گاف و سکون میم. ۲- بفتح نون و سکون راء و کسر زاء.

رینه یعنی بالاسر آبادی، درهٔ استاد قربان، چالک، از وسط دهکدهٔ گراناً زیر جادهٔ ماشین رو کنونی عبور می‌کند، له برده^۲، ورس دار قدیم^۳ بالای لزیبک^۴، در بجه کلی^۵، غول سنگ^۶ (غول در گیلکی به معنی کرواصم است)، گل گرون^۷ (کشتارگاه فعلی آبگرم)، ملک چشمه، حمام شاه عباسی، آبگرم امیرآباد، پشت دهکدهٔ گزونه^۸ (گزانه) از اینجا راه به کنار آب هراز می‌رسیده است.

راه تهران به آمل که به دستور ناصرالدین شاه ساخته شده است

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در سال ۱۲۹۲ قمری دربارهٔ این راه می‌نویسد: «به جایی رسیدیم که طاق نصرتی زده بودند و موزیکان می‌زدند. معلوم شد که ابتدای راهی است که شصت هزار تومان دیوان خرج کرده و ساخته است. امروز که شاه تشریف می‌آورند، تشریفات این راه است. از آنجا که طاق نصرت بود الی دو فرسخ راه بد بود. . . از راه سؤال شد. عرض کردم تا اینجا که خوب نیست تا بعد چه شود.^۹ سابق که این راه جدید را شاه نساخته بود، عبور قافله و غیره در این راه زیاد بود. از عراق خشکه بار به آمل می‌آوردند و از آمل برنج به عراق می‌بردند. . . راه سابق بقدری تنگ بود که قاطر و پیاده نمی‌توانست عبور کند. اما حالا طوری ساخته شده که کالسکه و عرابه بخوبی می‌تواند گذشت. لیکن به نظر من این راه شصت هزار تومانی نیست. ممکن بود با شصت هزار تومان بهتر از این راه ساخته شود. این راه زیاد

- ۱- بفتح گاف وسکون راء . ۲- بفتح لام وسکون هاء وفتح باء . ۳- بفتح واو وسکون راء . در ده متری ورس دار قدیم سنگی است تو خالی که معتقدند کافر کس (بکس رفاء وفتح کاف دوم) است و هر کس از آنجایی گذرد سنگی بدان پرتاب می‌کند. ۴- بفتح لام وراء . ۵- بفتح گاف . ۶- بکسر لام . ۷- بکسر گاف اول . ۸- بفتح گاف . ۹- روزنامهٔ خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۵۴ .

از ده سال عمر ندارد. افسوس که تمام پول دیوان خرج نشده که ابدالدهر باقی باشد. آنچه من تخمین مخارج این راه الی کاه رود که منزل امروز است و از قرار معلوم نصف راه ساخته شده است، هشت فرسخ از قرار هر فرسخ شش هزار ذرع. در این چهل و هشت هزار ذرع تقریباً پنج هزار ذرع پل سازی شده با سنگ. کنی از قرار ذرعی دوهزار دینار یک هزار تومان. الباقی چهل و سه هزار ذرع از قرار ذرعی یک قران. در صورتیکه ده یک به مباشر داده شده باشد تومانی یک عباسی به مستوفی و ده شاهی به مباشر جزء چهل و سه هزار قران که عبارت از چهار هزار و سیصد تومان می‌شود. بعلاوهٔ هزار تومان پل سازی و سنگبری، پنج هزار و سیصد تومان تا بحال خرج شده.^۱

گمبوج^۲

از کاروانسراهای بسیار قدیمی و عجیب کاروانسرای است به نام «گمبوج» در شیب شمالی بزم موشا (گردنهٔ امامزاده هاشم) بر سر راه هراز . این کاروانسرا که بیشتر قسمتهای آن سالم مانده است، امروز بر سمت چپ آب، نزدیک پلی است که در آخر گردنه قرار می‌گیرد. بنایی است که چهار طرف آن باره بند و در وسط که گنبدی بلند دارد، محل استراحت مسافران و چهارپاداران است (عکس شمارهٔ ۲۱۲). درازای ضلع شرقی ۲۲/۵ متر و درازای ضلع شمالی تا جایی که قابل اندازه گیری است، ۱۶ متر است.^۳ کمر بند گنبد میانی از نیم متری طاق ۲۳/۵ متر است. ابعاد فضای مربع داخلی که محل نشستن مسافران است ۶۸۰ سانتیمتر است. دری ورودی در ضلع جنوبی این قسمت است که طاقی جناقی بردرگاه آن زده اند. بلندی این دراز

- ۱- روزنامهٔ خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۵۵ . ۲- بفتح گاف و سکون میم . ۳- مقداری از دیوار داخل کوه است .

وسط جناق طاق ۲۰۰ سانتیمتر است. در اضلاع غربی و شمالی و شرقی فضای مرکزی نیز سه مدخل باطاقهای هلالی است که بلندی آنها از میان هلال طاق يك متر و پهنای آنها ۱۲۰ سانتیمتر است. طاق گنبدی فضای مرکزی بر گوشوارها و دیوارهای چهارطرف متکی است. بلندی گوشوارها از سطح اصلی بنا ۲۶۰ سانتیمتر و بلندی طاق تا سطح بنا در حدود هشت متر است.

قطر چهار دیوار فضای مرکزی و قطر دیوارهای باره بندها يك متر تمام است. پهنای باره بنده غربی ۲۳۰ سانتیمتر و درازای آن یازده متر تمام است. طاق باره بندها هلالی و بلندی آنها از سطح بنا، ۲۲۰ سانتیمتر است.

در ورودی اصلی بنا، در جنوب ضلع شرقی است و پهنای آن به ۲۳۰ سانتیمتر می رسد. این درگاه به باره بند جنوبی راه دارد. طسرف راست پس از ورود از این درگاه، درگاه کوچکتري به پهنای يك متر است و بلندی آن از وسط طاق جناقی دو متر تمام است. مصالح بنا سنگ رودخانه و گچ غربالی است.

راه قدیمی بالا لاریجان

از گدوك امامزاده هاشم (بزموشا) تا شهر آمل

این راه یکی از راههای بسیار قدیمی ایران است و در بند بریده راهسازی دوران پیش از اسلام تا امروز بر جای است و تا جائیکه می دانیم در زمان شاه عباس و ناصرالدین شاه نیز تعمیر و مرمت شده است. این راه از محلها و آبادیهای زیر در مسیر خود می گذرد: گدوك امامزاده هاشم، گمبوج، سیدك پایین قلعه دختر، رباط پیر علی، پلور،

۱- بکسر سین و تشدید و فتح یاء . ۲- بضم پ و لام.

قاضی مزرا^۱، لومر^۲، رینه^۳، مسون، گرما بدر، گزنك^۴، شنگله^۵، وانسه، شکل شاه (در تنگ بریده)، قلابن^۶، بیجون^۷ (بایجان)، آهیون، کیلو، کاهرو (کپرود)، پنجو، سیاوشه، شاهزید، عمارت، کلرد^۸، کرسنگ^۹، سلهار^{۱۰}، لاغر زمین، آمل.

میرزا حسن خان اعتماد السلطنه می نویسد:

« راهی که بسمت آمل می رود از دامنه جنوبی اسك است که به قریه نیاك می رسند بعد به مون که داخل راهی است که در عهد ناصرالدین شاه قاجار ساخته شده . »^{۱۱}

دهکده نیاك در تنگه سمت راست است و از راه دور است و این راه هم در عهد

ناصرالدین شاه تعمیر و مرمت شده و ساخته نشده است.

قلعه دختر

در پای بزم موشا (کتل امامزاده هاشم)، طرف شمالی، بر بازویی شرقی غربی که دامنه شرقی آن پرتگاهی است که منتهی به جاده هراز می شود قلعه ای بسیار کهن و قدیمی به نام قلعه دختر است. دوناو با شیب بسیار تند طرف جنوب و شمال این بازوی کوه است که از این دو طرف هم به علت شیب تند این دو ناو دسترسی به قلعه تا امروز مشکل است. این بازو درست میان چشمه و پل پای کتل و نخستین بهمین گیر، قرار گرفته است و سراسر بناهای قلعه بر سر آن ساخته شده است (عکس شماره ۲۱۳). بناهای قلعه بر دو سطح سنگی است، سطح سنگی غربی بالاتر و سطح سنگی شرقی پایین تر

۱- بفتح میم و سکون زاء . ۲- بفتح میم . ۳- بکسر راء و سکون یاء . ۴- بفتح گاف و زاء و نون . ۵- بفتح شین و سکون نون و ضم گاف . ۶- بفتح قاف و ضم باء . ۷- بکسر باء و سکون یاء . ۸- بفتح کاف و کسر لام . ۹- بفتح کاف و کسر راء . ۱۰- بکسر سین و سکون لام . ۱۱- کتب کتابخانه بیوتات سلطنتی، ج ۲، شماره ۷۲۶، ص ۲۹ ب .

می‌افتد. دیوار شمالی در سراسیمی غربی شرقی بنا شده است، درازای آن ده متر و بلندی آن در حدود سه متر است برکنج شمال شرقی دیوار، انحنايي است که ظاهراً باقی مانده برجی است. دیوار شرقی سطح بالا شیبش کمتر است و بلندی آن در حدود سه متر است (عکس شماره ۲۱۴). آب انبار قلعه در سطح سنگی پایین تر است (عکس شماره ۲۱۵). یکی از اضلاع مربع دهانه آن سه متر و ضلع مربع کف آن دو متر است. بلندی دیوار سنگی آن از لبه طاق تا کف به سه متر می‌رسد (عکس شماره ۲۱۶). قطر دیوارهای قلعه به ۱۲۰ سانتیمتر می‌رسد و قطر سمت بالای دیوارها از پایین آن کمتر است.

پوزه‌ای که قلعه بر آن بنا شده است طرف چپ آب هراز است. درست در مقابل این پوزه طرف راست آب نیز قلعه‌ای مفرد است که پیش آمده و در نتیجه دره را تنگتر کرده است. بالای آن نیز آثار بنا از دور دیده شد.

قلعه سنگ دك

در جنوب دهکده پلور

در جنوب دهکده پلور، طرف راست جاده هراز و اراضی سمت چپ رودخانه، نزدیک پمپ بنزین، تپه‌ای مفرد و سرکشیده است. بر بالای آن آجر پاره و بنیاد بنا دیده می‌شود.

قلا = قلادوش

در غرب دهکده پلور

بر تپه کوهی که سمت چپ آب هراز و پشت دهکده پلور است، آثار قلعه‌ای

۱- بکسر گاف و فتح دال .

قدیمی برجای است. ظاهراً در قدیم محل سکناي اهالی پلور، یا قلعه دفاعی این منطقه بوده است. آثار ساختمان و پاره آجر در آن دیده می‌شود.

قلعه تیر کوه

در شمال غربی دهکده پلور

دنباله تپه قلادوش که رو به شمال می‌رود، به پله‌ای که قدیم بر آب لار بسته بوده‌اند، می‌رسد. در اینجا نیز آثار بناهایی از آجر و گچ دیده می‌شود.

تپه مروانك

در جنوب شرقی دهکده پلور

تپه‌ای بلند و مفرد بر سمت راست آب، در جنوب شرقی دهکده پلور است. بازوی شرقی این تپه را ظاهراً برشی داده‌اند. بر بالای آن آثار بنایی قدیمی است. میرزا حسن خان اعتماد السلطنه این تپه را به نامهای «مروان» و «مروان» ضبط کرده و شرحی درباره مروان و عمرولیت نوشته است.^۱

آثار دهکده‌ای قدیمی به نام کاردی چال

متصل به تپه مروانك پلور

در جنوب تپه مروانك آثار دهکده‌ای قدیمی است. این دهکده به عللی رو به خرابی رفته و اهالی آن به آمل رفته و در آنجا ساکن شده‌اند. اینان که امروز «کاردل» خوانده می‌شوند، ادعاهایی نسبت به اراضی اینجا دارند. اعتماد السلطنه شرحی راجع به این دهکده نوشته است.^۲

۱- کتب کتابخانه بیوتات سلطنتی، ج ۲، شماره ۷۲۶، ص ۳۳ ب .

۲- همان صفحه

پلی شاه‌عباسی برودخانه لار
نزدیک محل التقای رودخانه لار با هر از

میرزا حسن خان اعتمادالسلطنه می‌نویسد :

« پل بر روی رودخانه لار، شاه‌عباسی است. راه عبور مردم از تهران به آمل، از همین پلور است. در تمام راه دو کاروانسرای سنگی، یکی پایین‌گردنه اما مزاده هاشم، یکی در حوالی پل، از بناهای شاه‌عباسی، بر روی رودخانه لار رود از قدیم ایام پلی بوده است، الحال به حکم دولت تعمیر شده است. »^۱

رباط شاه‌عباسی
در دهکده پلور

این رباط که اعتمادالسلطنه از آن نام برده است، تا سال ۱۳۵۰ شمسی برجای بود. سراسرنمای آن در جاده‌سازی برای سد لار از میان رفت. مصالح بنای آن تماماً سنگ و ساروج بود. در آن که طاق هلالی داشت رو به مشرق بود (عکس شماره ۲۱۷). از در که وارد می‌شدیم در مقابل، تختی بود به ابعاد پنج‌شش متر و بلندی هشتاد سانتیمتر که مسافران و چهارپاداران روی آن می‌آرمیدند. در وسط کاروانسرا سردر یف‌فیلیا قرار داشت که دوازده طاق مدور سنگی بر فیلیاها و دیوارها متکی بود (عکس شماره ۲۱۸). این کتیبه را بر پاره‌سنگی سیاه که متعلق به محل نبود، حک کرده و بر بالای مدخل گذاشته بودند.

کتیبه سردر ورودی رباط پلور :

« شد بدوران شاه عالمگیر
شاه‌عباس آن سپهر غلام

۱- کتب کتابخانه بیوتات سلطنتی، ج ۲، شماره ۷۲۶، ص ۳۳ ب.

کمترین بنده درش خاقان	کمترین بندگان او بهرام
بانی این رباط از سر صدق	ولسی بن محمد خیام
هم سعی محمد بنا	یافت اتمام این خجسته مقام
لازم آمد بیان تاریخش	تا شود ثبت دفتر ایام
بدر هجرت هزاروسی و چهار	کاین عمارت تمام گشت تمام

خانقاهی قدیمی

در دهکده پلور از دهکده‌های بالا لاریجان

هنگامی که سیدظهیرالدین مرعشی در رجب ۸۶۰ ه. ق. ملک کاووس را دنبال

می‌کرد به این خانقاه درآمد و درباره آن چنین نوشته است :

« به قریه پلور به خانقاهی که آنجاست زمانی مکث رفت، چندانکه دست و پای مردم که خنک شده بود و نزدیک بود که از کار بیفتد در خانقاه به آتش گرم کردند. »^۱

باقی بناها و آثار تاریخی پلور

۱- سنگهای قبور قدیمی در نیک. برای رسیدن به نیک، باید در حدود ده کیلومتر در جاده نوساز لار پیش رفت، سپس بد راه فرعی آن که از دست راست جاده جدا می‌شود وارد شد.

۲- گورستانی قدیمی در تپه سرکش پلور.

۳- سه طاقچه حجاری شده، زیر پل قدیمی بر روی آب لار.

۱- تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۲۸۴. خانقاه را معلوم نیست سیدظهیرالدین به چه معنی

استعمال کرده است. شاید به معنی کاروانسرا و بارانداز باشد.